

بیانات در دیدار دست‌اندرکاران کنگره بزرگداشت ۱۲ هزار شهید آذربایجان غربی - 12 / آذر / 1396

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين سيما بقيّة الله في الارضين.

خیلی متشکریم از برادران عزیز که یاد شهدا را با این فعالیت گسترده‌ای که تشریح کردند احیاء میکنند. ما به این نامها، به این یادها نیاز داریم؛ کشور احتیاج دارد به اینکه همیشه یاد شهدا زنده باشد، نام شهدا زنده باشد. برترین شخصیت‌های تاریخ قرنهای اخیر را ما در این دوره در بین همین جوانها دیدیم. همین جوانهایی که از آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، استان اصفهان و بقیه‌ی جاهای کشور، سر بلند کردند و شتافتند برای فداکاری و از خودشان لیاقت نشان دادند در دفاع از کشور و دفاع از انقلاب، همین‌ها واقعاً چهره‌های درخشان تاریخ ما هستند.

ما هروقتی که کشورمان دچار ذلت شد، به خاطر این بود که مردان فداکار، مردان دلور، مردان باگذشت نداشتیم. آن وقتی که کشور ما در هر دوره‌ای از دوره‌های تاریخ، سر بلند شد، به خاطر این است که چنین مردانی را داشتیم. زمان ما بحمدالله زمانی است که از این‌گونه انسانهای بزرگ در آن زیاد پدید آمدند؛ نگذارید یاد این مردان بزرگ فراموش بشود. به شما عرض میکنم، انگیزه‌هایی وجود دارد برای اینکه یاد شهدا به فراموشی سپرده بشود؛ انگیزه‌های بسیار شدیدی وجود دارد که اینها را به فراموشی بسپارند؛ چیزهای دیگری را مطرح کنند و جلوه‌های کاذب و عظمت‌های دروغین را مطرح کنند تا عظمت‌های واقعی از یادها برود. این کنگره‌ی شما و امثال این کنگره در سراسر کشور در استانهای مختلف، در واقع پادزهر آن حرکت مسمومی است که [آنها] انجام میدهند.

استان آذربایجان غربی از جمله‌ی دو سه استانی است که مجاهدت و فداکاری در آن با آغاز جنگ تحمیلی آغاز نشد، بلکه از قبل وجود داشت. خیلی از استانها در امنیت و راحت و آسایش بودند؛ جنگ تحمیلی که شروع شد، جوانهایشان رفتند و مشغول مبارزه شدند، [اما] آذربایجان غربی در واقع از روز اول انقلاب، مثل کردستان و مثل بعضی از استانهای دیگر - چند استان [این جور] هستند - دچار مسائل نیازمند به مبارزه و نیازمند به مجاهدت بود. و آذربایجان غربی ایستاد در مقابل همه‌ی حوادث، و واقعاً مبارزه کرد. و جوانهای مؤمن خوب [داشت]؛ مرحوم شهید آقامهدی باکری را من از قبل از انقلاب می‌شناختم، ایشان دانشجوی دانشگاه تبریز بود، با یکی از دوستان ما که ایشان هم دانشجوی دانشگاه تبریز بود آمدند مشهد؛ اتفاقاً تابستان بود و من در یکی از همین بیلاقات اطراف مشهد بودم؛ آمدند آنجا و دیدم این جوان را. اهل کار بودند، اهل مبارزه بودند، فهیم بودند؛ مسائل کشور را، موقعیت کشور را میفهمیدند. لذا به مجرد اینکه انقلاب شد و حوادث بعد از انقلاب پدید آمد، اینها صحنه را حفظ کردند؛ یعنی حضور کامل در صحنه پیدا کردند. [این] بیداری اینها را نشان میدهد. و آذربایجان غربی واقعاً دچار مشکلات زیادی شد، و خوب است یاد کنیم از آقای حسنی (۱) (حفظه الله)؛ ایشان هم واقعاً جزو کسانی است که در این حوادث حقاً و انصافاً امتحان خوبی داد در دوران مبارزات و در دوران بعد از انقلاب؛ چه قبل از جنگ، چه زمان جنگ، چه بعد از جنگ. همچنین سرهنگ زکیانی، آن فرمانده لشکر ۶۴ که ایشان هم یک افسر شجاعی بود - خدا ان شاء الله رحمت کند - یعنی جزو افسران شجاع بود که با همین آقای حسنی فعال بودند؛ در قضایای اشنویه، در قضایای نقده، قضایای گوناگون. و مهم این است که در آنجا - همان‌طور که آقای قرشی اشاره کردند - شیعه و سنی، گرد و ترک با هم همکاری کردند در این میدان. من که رفتم مهاباد، در آن دیداری که مردم مهاباد با ما داشتند، در سخنرانی، آن عالم بزرگ سنی اهل اشنویه - مرحوم قاضی خضری که دوست من بود - با اینکه پیر بود و خیلی سن بالایی داشت، خودش را از اشنویه رساند به مهاباد؛ گفت آمده‌ام برای اینکه اینجا سخنرانی کنم. آمد آنجا ایستاد و سخنرانی کرد و با تعبیرات خیلی خوبی، از امام (رضوان الله علیه) چه تجلیلی کرد و همین جور از مسئولین کشور؛ یعنی واقعاً همه

با هم همکاری کردند، همراهی کردند، تا توانستند این بار سنگین را به منزل برسانند. بعد صدمه هم دیدند؛ یعنی واقعاً شاید غیر از سردشت، گمان نمیکنم ما جایی را داشته باشیم در دنیا که دچار حادثه‌ای بشود که آنجا شد؛ آن مباران شیمیایی یک شهر، خیلی چیز عجیبی است؛ مردم صبر کردند، تحمل کردند؛ این حوادث را توانستند تحمل کنند؛ این عظمت مردم را نشان میدهد.

و در دوره‌ی جنگ هم که انصافاً خیلی کار کردند، خیلی تلاش کردند؛ همین شهدای عزیزی که اسم آوردید و بسیاری شهدای دیگر از شهدای بزرگ ما که اهل آنجا هم نبودند اما در آذربایجان غربی به شهادت رسیدند. [آنجا] میدان مبارزه بود، میدان کار بود. کشور به حفظ و احیاء یاد این عزیزان حقیقتاً احتیاج دارد. همه باید توجه کنند به این مسئله که مسئله‌ی یاد شهیدان، یک مسئله‌ی محلی و منطقه‌ای و مخصوص یک مردم خاص و زمان خاصی نیست؛ همیشه به این احتیاج داریم و نباید اجازه بدهید که این یاد مندرس بشود. و کارهای زیادی باید انجام بگیرد؛ یکی از کارها این باشد که آذربایجان غربی را با ایستادگی‌اش، با برخورد شجاعانه و آگاهانه‌اش با حوادث و فتنه‌ها برای مردم کشور معرفی کنید که بدانند. امروز وقتی میخواهند یک استان را معرفی کنند یا به زیبایی‌ها و گردشگاه‌ها و مانند اینها [معرفی] میکنند که خب اشکالی هم ندارد، یا به تنگناهایش - مثل [آنچه] آقای قرشی گفتند که درآمد سرانه در اینجا کمتر از بقیه‌ی جاها است؛ خب این هم اشکالی ندارد؛ این را هم از ما خواستند که ما سفارش کنیم، حرفی هم نداریم؛ سفارش میکنیم، ان شاء الله سفارشان اثر کند - لکن مهم این است که آن خصلتهای معنوی، آن برجستگی‌های معنوی که در این استان هست، اینها را ما احیاء کنیم، زنده کنیم، اینها را نشان بدهیم، برجسته کنیم؛ و نشان بدهیم به مردم کشور عظمت این مردم را و شجاعت این مردم را.

ان شاء الله خداوند متعال شما را موفق بدارد. این فهرستی که ایشان ذکر کردند از کارهایی که انجام گرفته، فهرست خوبی است، یعنی واقعاً همین کارها اگر خوب انجام بگیرد؛ البته سعی کنید که کیفیت‌ها فدای سرعت و مانند اینها نشود؛ یعنی واقعاً همه چیز با کیفیت و به وسیله‌ی افراد متخصص و کارشناس و کارآمد انجام بگیرد؛ هم نگارشها، هم تهیه‌ی نمائندگی‌ها و بقیه‌ی چیزهایی که جنابعالی ذکر کردید، اینها همه ان شاء الله باید مورد توجه قرار بگیرد. از خداوند متعال برای شماها توفیق مسئلت میکنیم و از خدا میخواهیم که ارواح طیبه‌ی شهدای عزیز ما را با پیغمبر محشور کند، با اولیائش محشور کند؛ ما را هم به آنها ملحق کند؛ ان شاء الله.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

(۱) حجّت الاسلام غلامرضا حسنی (امام جمعه‌ی سابق ارومیه)